



## درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نوری مفیدی

تاریخ: ۳ آبان ۱۳۹۰

مصادف با: ۲۷ ذی القعدة ۱۴۳۲

جلسه: ۶

موضوع کلی: جوامع روایی

موضوع جزئی: اعتبار روایات کتاب دعائم الاسلام

سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### اعتبار روایات کتاب دعائم الاسلام:

بحث باقی مانده از کتاب دعائم الاسلام در مورد صحت روایات این کتاب است، در مورد مؤلف کتاب دعائم الاسلام و مذهب او مطالبی ذکر شد، نتیجه این شد که مذهب قاضی ابوحنیفه که مؤلف کتاب دعائم الاسلام است تأثیری در اخذ روایات او ندارد و آنچه که در اخذ روایات مهم است وثاقت اوست که اگر قائل به وثاقت او شدیم روایات او قابل اخذ است البته به شرطی که طریق او به معصوم (ع) مشخص باشد، اگر او را موثق ندانستیم روایاتی را که نقل کرده قابل اعتماد نیست.

در مورد صحت روایات این کتاب و اعتبار این کتاب عرض کردیم که مؤلف (قاضی ابوحنیفه) آن تصریح کرده که صحاح از روایات ائمه (ع) را اختیار کرده است و می‌گوید ابواب کتاب بر همین منوال نوشته شده و بر این اساس حاجی نوری در مستدرک با اینکه طریقی به او بیان نکرده ولی این کتاب را از کتاب‌های معتبر دانسته و شیخ الشریعه اصفهانی<sup>۱</sup> هم معتقد است که روایات کتاب دعائم الاسلام قطعاً صحیح است.

حال با توجه به مطالبی که در مورد مؤلف کتاب ذکر شد و مطالبی که در مورد مذهب او گفته شد و اینکه توثیقی نشده بالاخره روایات این کتاب صحیح هستند یا خیر؟ خود این کتاب به نحو کلی مشهور بوده و تلاش زیادی هم برای حفظ این کتاب چه در عهد دولت فاطمی و چه بعد از آن صورت گرفته و تلاش کرده‌اند که در این کتاب تحریفی ایجاد نشود اما مشکل این است که شهرت این کتاب در همه زمان‌ها مستمر نبوده و احتمال تحریف این کتاب هم به طور کلی منتفی نیست؛ یعنی احتمال قابل توجهی هم در مورد تحریف این کتاب وجود دارد لذا اینکه گفته شود این کتاب معتبر است دلیل محکمی ندارد گرچه دلیلی بر عدم اعتبار آن هم نداریم الا اینکه حجیت و اعتبار از اموری هستند که باید احراز شوند و شک در حجیت و اعتبار مساوی با عدم حجیت و اعتبار است، از این جهت که حجیت و اعتبار این کتاب مشکوک است شاید بتوان ادعا کرد که این کتاب معتبر نیست.

اما راجع به صحت روایات موجود در این کتاب که آیا روایات این کتاب صحیح‌اند یا خیر؟ عرض کردیم خود قاضی ابوحنیفه در مقدمه کتاب و در بخش‌های میانی کتاب جملات و عباراتی دارد که بعضی از جمله حاجی نوری از آن عبارات استفاده کرده‌اند که آن عبارات شاهد بر صحت روایات کتاب دعائم الاسلام است، ما در جلسه گذشته دو عبارت را ذکر کردیم که یک

۱. افاضة الغدير فی احکام الاسیر، ص ۳۰.

عبارت این بود که قاضی ابوحنیفه می‌گوید: «نقتصر فيه على الثابت الصحيح مما روينا عن الائمة (ع) من اهل بيت رسول الله (عليهم السلام اجمعين) من جملة ما اختلفت فيه الروات عنهم»، عبارت بعدی این بود که: «فهذا هو الثابت مما روينا عن رسول الله (ص) و عن الائمة الطاهرين من ذريته (صلوات الله عليه و عليهم) دون ما اختلفت فيه عنهم و على ذلك تجرى ابواب كتابنا هذا انشاء الله»<sup>۱</sup> این دو عبارت با هم تفاوت دارند چون در عبارت اول می‌گوید: «من جملة ما اختلفت فيه الروات عنهم» و در عبارت دوم می‌گوید: «دون ما اختلفت فيه عنهم»؛ در جمله اول، ثابت صحیح را روایاتی از میان روایات دانسته که روات در آن‌ها اختلاف کرده‌اند؛ یعنی از بین روایاتی که روات در آن‌ها اختلاف دارند روایات ثابت صحیح را انتخاب کرده است، در جمله دوم گفته ما آن روایاتی که ثابت شده از پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) است را روایت کرده‌ایم، پس سیاق این دو جمله با هم فرق می‌کند، جمله دوم شهادت بر صحت روایات است چون می‌گوید ما آن روایاتی را ذکر کرده‌ایم که از پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) نقل شده است و این بر صحت و صحیح به معنای اصطلاحی منطبق است چون روایت صحیح روایتی است که ما اطمینان داریم از معصوم (ع) صادر شده است، بعضی احتمال داده‌اند و گفته‌اند جمله اول بر صحت اصطلاحی انطباق ندارد چون نمی‌گوید ما ثابت صحیح از روایات را نقل می‌کنیم بلکه می‌گوید ما از بین روایاتی که روات در آن‌ها اختلاف کرده‌اند ثابت صحیح را نقل کرده‌ایم. ولی به نظر می‌رسد جمله اول هم می‌تواند شهادت بر صحت روایات کتاب دعائم الاسلام باشد چون وقتی می‌گوید ما از بین روایاتی که روات در آن‌ها اختلاف کرده‌اند ثابت صحیح را از ائمه (ع) نقل کرده‌ایم طبیعتاً معنای عامی دارد، آن روایاتی که روات در آن‌ها اختلاف نکرده‌اند مشکلی ندارد و نسبت به مواردی که روات در آن‌ها اختلاف کرده‌اند می‌گوید ما صحیح از آن روایات را اختیار کرده‌ایم؛ یعنی غیر صحیح و ضعیف را کنار گذاشته‌ایم، پس هم جمله اول و هم جمله دوم می‌تواند شهادت بر صحت روایات باشد، به خلاف بعضی که می‌گویند جمله اول شهادت بر صحت روایات دعائم الاسلام نیست و فقط جمله دوم شهادت بر صحت روایات است. پس مشکلی در مسئله شهادت مؤلف کتاب بر صحت روایات نیست بلکه مشکلی که در اخذ به روایات کتاب دعائم الاسلام وجود دارد این است که مؤلف این کتاب توثیق نشده؛ یعنی وثاقت او برای ما محرز نیست، بلکه اگر وثاقتش برای ما محرز بود شهادت او بر صحت روایات، صحت روایات کتاب را ثابت می‌کرد اما وثاقت او محرز نیست.

ما در اول بحث در مورد کتاب دعائم الاسلام عرض کردیم که درست است که قدح و ذمی درباره قاضی ابوحنیفه (مؤلف کتاب دعائم الاسلام) وارد نشده و حتی بعضی هم او را مدح کرده‌اند اما غایت مدح و ثنائی که درباره او شده این بود که ایشان از علماء شیعه و از افاضل بوده است ولی کسی بر وثاقت او تأکید نکرده است لذا چون توثیق نشده می‌گوییم که نمی‌توان به صحت روایات این کتاب معتقد شد لذا روایاتی که در این کتاب نقل شده باید مورد بررسی سندی قرار گیرند و اگر قرائن و شواهد دیگری وجود داشت که نقل موجود در این کتاب را تأیید کند می‌شود به روایات آن اخذ کرد، تنها استفاده‌ای که می‌توان

۱. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲.  
۲. همان، ص ۱۰۳.

از روایات این کتاب کرد این است که از روایات موجود در این کتاب به عنوان مؤید استفاده شود ولی در مقام فتوا نمی‌توان به عنوان دلیل به این کتاب استناد کرد.

### تفسیر علی بن ابراهیم قمی

نجاشی در مورد علی بن ابراهیم قمی می‌گوید: «علی بن ابراهیم بن هاشم ابوالحسن القمی ثقة فی الحدیث ثبت سمع معتمد صحیح المذهب» می‌گوید: علی بن ابراهیم قمی در حدیث ثقة است، مذهبش هم صحیح و مورد اعتماد است، اهل ثبت و سمع هم بوده و کتاب‌هایی هم برای علی بن ابراهیم قمی نام می‌برد از جمله: کتاب التفسیر، کتاب الناسخ و المنسوخ، کتاب الشرایع، کتاب التوحید و الشرک، کتاب فضائل امیرالمؤمنین (ع)، شبیه به این مطالبی که نجاشی درباره علی بن ابراهیم قمی ذکر می‌کند از شیخ طوسی<sup>۱</sup> هم نقل شده است.

نام علی بن ابراهیم بین چند نفر مشترک است، البته وقتی در روایات، علی بن ابراهیم به صورت مطلق و در صدر سند قرار می‌گیرد منظور علی بن ابراهیم قمی است؛ مثلاً وقتی با عنوان «عن علی بن ابراهیم» یا «علی عن ابیه» یا «علی بن ابراهیم عن ابیه» یا «علی بن ابراهیم بن هاشم عن ابیه» ذکر شده معلوم است که مراد علی بن ابراهیم قمی است، ولی معمولاً در سند روایات با عنوان علی بن ابراهیم ذکر شده است.

متجاوز از ۷۰۰۰ روایت وجود دارد که در طریق آن‌ها علی بن ابراهیم ذکر شده و از این ۷۰۰۰ روایتی که نقل کرده حدود ۶۰۰۰ روایت را از پدرش نقل کرده است، شیخ در فهرست تقریباً همان کتبی که نجاشی به علی بن ابراهیم قمی نسبت داده را به او نسبت داده البته شیخ کتب دیگری هم از جمله قرب الاسناد را به علی بن ابراهیم نسبت داده است، پس در ثقة بودن علی بن ابراهیم قمی و صحت مذهب و کثرت روایات و کثرت نسبی تألیفاتش بحثی نیست، طرقی هم که برای او نقل شده مثلاً طریق شیخ طوسی به علی بن ابراهیم صحیح است مثلاً شیخ می‌گوید: «اخبرنا بذلك الشيخ المفید عن محمد بن علی بن الحسین بن بابویه عن ابیه و محمد بن الحسن و حمزة بن محمد العلوی و محمد بن علی ماجیرویه عن علی بن ابراهیم» این طریق شیخ به علی بن ابراهیم است، معمولاً طریقی که شیخ طوسی به علی بن ابراهیم دارد طریق صحیحی است لذا خود علی بن ابراهیم کسی است که ثقة و مورد اعتماد است و روایات زیادی بخصوص از پدرش نقل کرده است. پس نسبت به ثقة بودن علی بن ابراهیم قمی بحثی نیست.

**بحث جلسه آینده:** اینکه آیا تفسیر علی بن ابراهیم قمی که منسوب به اوست واقعاً از اوست یا خیر؟ و اینکه این کتاب از چه درجه‌ای از اعتبار برخوردار است؟ و همچنین اینکه چون نام این کتاب تفسیر است آیا فقط شامل مطالب تفسیری است یا مطالب غیر تفسیری را هم شامل می‌شود؟ بحثی است که آن را در جلسه آینده مورد بررسی قرار خواهیم داد.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. الفهرست، ردیف ۳۸۲.